

خبر

وزیر کشور با اشاره به مصوبه شورای نگهبان:

منظر تفسیر حقوقی معاونت حقوقی ریاست جمهوری هشتم

● ایستا؛ وزیر کشور پس از جلسه ستاد انتخابات کشور درباره مصوبه اخیر شورای نگهبان در خصوص شرایط داوطلبان در هنگام ثبت‌نام، گفت: شورای نگهبان پیرو ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات موظف شده که رحل سیاسی را تعریف کند و درواقع این مسئولیت بر عهده شورای نگهبان است و این کار را انجام داده و به وزارت کشور ابلاغ کرده است. البته قانون می‌گوید هرگونه ابلاغیه قانونی از سوی رئیس‌جمهور ابلاغ شود. ما روز بعد از آنکه ابلاغیه شورای نگهبان به دستمان رسید موارد را به استحضار رئیس‌جمهور رساندیم و خواستیم تفصیر حقوقی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری را به ما بدهند. عبدالرضا رحمانی‌فضلی با بیان اینکه شورای نگهبان با این کار یک گام به جلو رفته است، عنوان کرد: قبلاً شورای نگهبان طبق نظارت استصوابی، عمل نظارتی را انجام می‌داد اما این‌بار همان اقدام قبلی را بر اساس شاخص‌ها و شرایطی توضیح داده و آن را تبیین کرده که وزارت کشور مسئول است سن، مدرک تحصیلی و سوابق داوطلبان را در حین ثبت‌نام بررسی کند. ما منتظر بررسی و تفسیر حقوقی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری هشتم و هر نوع برداشت حقوقی که انجام شود آن را انجام می‌دهیم. ما حتماً دنبال اجرای قانون هشتم و این به معنی عدم همکاری را نادیده‌گرفتن همکاری وزارت کشور و شورای نگهبان نیست. به‌رحال ما مجری قانون هشتمیم. قانون موجود در حال حاضر ماده ۵۵ قانون انتخابات است و به آن عمل می‌کنیم ولی امیدواریم نتایج این اقدامات به شفافیت بیشتر و احقاق حقوق داوطلبان منجر شود. او با اشاره به برخی نگرانی‌ها در تفسیرهای حقوقی از اقدام شورای نگهبان در فضای عمومی- سیاسی کشور گفت: ما ضمن احترام به همه این تفسا‌سر، تفسیر حقوقی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری را مبنأ عمل قرار می‌دهیم‌که البته این تفسیر هنوز به ما نرسیده است.

ردگشت رئیس سابق زندان قصر

● **شرق**: اصغر کورنگی، رئیس سابق زندان قصر که به خوش‌فقتاری با زندانیان، به‌ویژه زندانیان سیاسی شهره بود، در ۹۳ سالگی ردگشت. به همین مناسبت یادبودی از ساعت چهار روز سه‌شنبه در مرکز زنده‌المعارف بزرگ اسلامی برای بزرگداشت او برگزار می‌شود. سرتیپ اصغر کورنگی متولد ۱۳۰۷ در اصفهان بود. او سال ۴۴ رئیس زندان قصر می‌شود. در خاطراتی که از زندانیان سیاسی رژیم پهلوی به یادگار مانده همه از او به نیکی یاد می‌کنند. این حمایت او از زندانیان سیاسی تا آنجا پیش می‌رود که به اعضای نهضت آزادی که تازه از تبعید برآزجا به زندان قصر منتقل شده بودند، لو می‌دهد که ساوک در اتاقشان شنود کار گذاشته و همین منجر به بازداشت او از سوی واحد اطلاعات اداره وقت شهرتانی می‌شود، اما بعد از نزدیک به یک ماه آزاد می‌شود و سرکار خود بازمی‌گردد. کورنگی به واسطه رابطه انسانی و دوستانه‌ای که در زندان قصر با اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی، به‌ویژه مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی پیدا می‌کند بعد از انقلاب، برخلاف بسیاری از افسران رده بالا که بازداشت، پاک‌سازی یا اخراج شدند، به دعوت دولت موقت به همکاری با شهرتانی ادامه می‌دهد و معاون اطلاعات شهرتانی می‌شود و با استعفای دولت موقت هم درخواست بازنشستگی می‌کند. او از کتاب خاطراتی با عنوان «مسح در قصر» به یادگار مانده است.

قحط الرجال نیست که فقط بگیریم این ۲ نفر را داریم

● **خبرآنلاین**:مصطفی میرسلیم در انتقاد از نامزدی قالیباف و رئیس‌ی برای انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: به نظر من در شان رئیس قوه نیست که در صحنه حاضر شود و خواهان ریاست دیگری باشد. من نمی‌گویم که قابلیت ندراندن اما هنوز کار خود را تمام نکردند. آقای رئیس‌ی با قابلیت‌های بسیار خوبی که دارد حیث است تجریبات خویشان در قوه قضائیه ادامه پیدا نکنند. آقای قالیباف نیز در زمینه‌های اجرایی اقدامات خوبی انجام داده است که البته همه آنها قابل دفاع نبوده و برخی از خلاف‌ها در فعالیت‌های اجرایی ایشان صورت گرفته است. آقای قالیباف قول‌هایی در مجلس به ما داده است و با توجه به اینکه مجلس در رأس امور قرار دارد اگر کار قانون‌گذاری را صحیح انجام دهد و نظارت درست انجام شود، شاهد این همه نایسامانی نخواهیم بود. حل‌شدن مسائل کشور از طریق قوه مقننه است و با قانون‌گذاری می‌تواند سرنوشت کشور را در مسیر درست قرار دهد. کشور ایران قحط‌الرجال ندارد که بگیریم فقط دو نفر را در صحنه داریم.

امیرحسین جعفری در جریان مناظرات.

امیرحسین جعفری: مناظرات سیاسی سال ۱۳۶۰، نقطه عطفی در منش **گفت‌وگومسحور** انقلاب در آن سال‌ها بود که در جریان آن در دو بخش **سیاسی** و **ایدئولوژیک**، آقایان مهدی فتایور (سازمان فداییان خلق اکثریت)، سیدمحمد بهشتی (حزب جمهوری اسلامی)، نورالدین کیانوری (حزب توده ایران)، حبیب‌الله یمان (جنبش مسلمانان مبارز) در برنامه‌های **سیاسی** و آقایان مصباح‌زیدی (حوزه علمیه قم)، عبدالکریم سرروش، احسان طبری (حزب توده ایران) و فرخ نگهدار (سازمان فداییان خلق اکثریت) در برنامه‌های ایدئولوژیک شرکت داشتند. هرچند به ادعای **اعضای شرکت‌کننده** تعدادی از جلسات پایانی این مناظرات به **دلایلی هیچ‌گاه منتشر نشد** و در نهایت با وقوع حوادث تابستان ۶۰ به کلی فضای **سیاسی** رو به بسته‌ترشدن و تضادهای جدی‌تری پیش رفت که دیگر شاهد چنین **گفت‌وگوهایی** نبودیم. به مناسبت ۴۰ سالگی پخش این برنامه‌ها با **مهدی فتایور، فعال سیاسی** و یکی از شرکت‌کنندگان این سری مناظرات **گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را می‌خوانید.**

█ **از آغاز روند درباره شکل‌گیری جلسات مناظره توضیح بفرمایید.**
از اسفندماه سال ۵۹ آشکار بود که رابطه موافقین و مخالفین آقای بنی‌صدر در حکومت به سمت درگیری نهایی می‌رود. آیت‌الله خمینی در سال ۵۹ تلاش کرده بود که مستقیم و علنی علیه رئیس‌جمهور موضع‌گیری نکند ولی از اسفندماه به‌خصوص پس از نزدیکی آقای بنی‌صدر به سازمان مجاهدین در سخنرانی‌های خود صریحاً علیه رئیس‌جمهور موضع‌گیری کرده و هربار موضع‌گیری‌هایشان صریح‌تر و تندتر می‌شد. صف‌بندی‌های سیاسی در ابتدای سال ۶۰ در اساس بر مبنای موضع‌گیری در این زمینه بود و آشکار بود که به‌زودی درگیری‌های تندی در درون حکومت و در سطح جامعه رخ خواهد داد. آقای بنی‌صدر در فروردین‌ماه سال ۶۰ اعلام کرد که قصد دارد از طریق دفتر ریاست‌جمهوری گفت‌وگویی مابین نیروهای سیاسی کشور سازمان دهد. متعاقب آن تلویزیون اعلام کرد که قصد دارد مناظره بین نیروهای سیاسی را سازمان دهد. مناظره‌های تلویزیونی سال ۶۰ در چنین فضایی برگزار شد.

█ **از سوی چه ارکان یا گروهی به شما پیشنهاد شرکت در این جلسات شد؟**

از طرف رادیوتلوویزیون به ما اطلاع داده شد که برای سازمان‌دهی این مباحثات جلسه‌ای برگزار می‌شود و از ما خواسته شد که نماینده سازمان ما نیز در این جلسه حضور یابیم. من از طرف سازمان در این جلسه شرکت کردم. نمایندگان دفتر ریاست‌جمهوری، حزب توده ایران، مسلمانان مبارز، جاما، جبهه ملی و مجاهدین در جلسه حضور داشتند. از طرف رادیوتلوویزیون آقای لاریجانی و یکی از معاونین ایشان حضور داشتند. آنان درعین‌حال از طرف نیروهای درون سیستم و به طور مشخص حزب جمهوری اسلامی نیز صحبت می‌کردند. آقای لاریجانی اهداف این مباحث را توضیح داد و خداحافظی کرد و نمایندگی تلویزیون را در این جلسه و جلسات بعد یکی از معاونین ایشان بر عهده داشت. بحث آن روز تماماً بین نمایندگان رادیوتلوویزیون و نمایندگان مجاهدین، دفتر ریاست‌جمهوری، جبهه ملی و جاما جریان یافت. نمایندگان رادیوتلوویزیون تصریح کردند که این مباحث توسط تلویزیون سازمان داده شده و ارتباطی با دفتر ریاست‌جمهوری ندارد. روشی بود که از سوی دیگر هم برای ارزیابی وجود داشته که این مباحث امتیازی برای رادیوتلوویزیون و به زیان آقای بنی‌صدر خواهد بود و مایل به شرکت در چنین مناظره‌ای نبودند. این جلسه بدون نتیجه پایان یافت. جلسات بعد با شرکت من و آقای عمویی (نماینده حزب توده ایران) و آقای دکتر ییمان (نماینده مسلمانان مبارز) برگزار شد و سایر سازمان‌ها در جلسه حضور نداشتند.

█ **آیا با حزب توده درباره شرکت در جلسات هماهنگی با مشورت داشتید؟**

ما در آن زمان روابط نزدیکی با حزب توده داشتیم. در رابطه با این جلسات موضع ما این بود که ما صرف‌نظر از اینکه چه کسی سازمان‌دهنده و برگزارکننده جلسات باشد، در مباحث شرکت می‌کنیم. حزب توده ایران و جنبش مسلمانان مبارز نیز معتقد به شرکت در این مناظره‌ها بودند و بنابراین نیازی به مشورت در این زمینه وجود نداشت.

█ **به چه دلیل تصمیم گرفته شد که مباحث به دو بخش سیاسی و ایدئولوژیک تقسیم شود؟**

شرق: برخی نمایندگان مجلس که از هر فرصتی برای حمله به دولت و کابینه استفاده می‌کنند، بعد از جلسه غیرعلنی دیروز صحن علنی مجلس را به کارزار حمله به محمدجواد ظریف تبدیل کردند. بعد از انتشار فایل صوتی مصاحبه ظریف، نمایندگان متذکر صورت مجلس حملات تندی را روانه وزیر امور خارجه کردند و سخنان دیروزشان حرفی جدید یا پیش‌بینی‌نشدهٔ نبود. رئیس مجلس شورای اسلامی که از او به‌عنوان یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری یاد می‌شود و او نیز تاکنون نشان داده تمایل بسیار برای کویج از بهارستان بگذشته در اختطاری با استناد به اصل ۱۵۲ قانون اساسی ظریف‌گفت: موضوع بعدی در ملاز است با وجود موضع‌گیری‌های قبلی از تریبون مجلس نیز به آن اشاره کنم درباره برخی صحبت‌ها علیه قهرمان ملی ایران و دگانه‌سازی غیرکارشناسی از قدرت میدانی و دیپلماسی است. این دگانه‌سازی علیه منافع ملی است. قالیباف تصریح کرد: بدون قدرت میدان، دیپلماسی توانی برای موفقیت نباشد و بدون قدرت میدانی، دیپلماسی، میمران هرگز به اهداف خود برای تأمین منافع ملی دست نخواهد یافت. این همان مجاهدت هوشمندانه‌ای است که حاج قاسم سلیمانی در منطقه با هم‌فازایی قدرت میدانی و دیپلماسی توطنه دشمنان را خنثی کرد و قدرت عظیمی برای دیپلماسی به وجود آورد. رئیس مجلس آرزویم که اشاره به تاریخ انقلاب اسلامی و اتفاقات پس از شهادت شهید بهشتی گفت: در روزهای اول پس از شهادت حاج قاسم گفته بودم همان‌طور که شهادت شهید بهشتی ریشه‌منافقان را کند و خطر جریان نفاق را از انقلاب دور کرد، خون شهید سلیمانی نیز جریان خودباخته غرب‌زده را رسوا می‌کند و ریشه آنها را می‌خشکاند. امروز آثار این اتفاق عظیم را می‌بینیم و مطمئن هستیم خون شهید سلیمانی تأثیراتی تاریخ‌ساز در مسیر پیشبرد آرمان‌های انقلاب خواهد داشت. به گفته رئیس بازدهم دوره مجلس شورای اسلامی «مجلس وظیفه خود

سیاست

گفت‌وگو با مهدی فتایور، یکی از شرکت‌کنندگان مناظرات بهار ۱۳۶۰

پشت پرده مناظرات دهه ۶۰



روز اول آق‌ای لاریجانی توضیح دادند که مباحث در سه بخش ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی خواهد بود. در دومین جلسه نمایندگان رادیوتلوویزیون برنامه مناظره‌ها را توضیح دادند و طرح کردند که در ابتدا یک دوره مباحث ایدئولوژیک برگزار می‌شود و پس از یک دوره پیشبرد این مباحث، جلسات سیاسی آغاز خواهد شد. ما سه نفر نمایندگان سه سازمان شرکت‌کننده مطرح کردیم که در شرایط حساسی که در کشور وجود دارد، نیاز به مباحث سیاسی مقدم بر سایر مباحث است و وقتی نمایندگان رادیوتلوویزیون بر برنامه ذکرشده تأکید کردند من بدون اینکه در سازمان صحبت شده باشد، سرخود گفتم اگر چنین باشد ما در مناظره‌ها شرکت نمی‌کنیم. این جلسه بدون نتیجه‌گیری در رابطه با برنامه مناظره‌ها خاتمه یافت. در جلسه بعد نمایندگان رادیوتلوویزیون مطرح کردند که آقای بهشتی گفته است مباحث سیاسی و ایدئولوژیک هم‌زمان باشد و همچنین گفته‌اند که اگر هیچ‌کس در مناظره‌ها شرکت نکنند، خودشان به‌تهایی حضور یافته و مباحث را پیش می‌برند. با توجه به نظر آقای بهشتی، مباحث ایدئولوژیک و سیاسی هم‌زمان و به موازات هم برگزار شد.

█ **چرا شما و آقای نگهدار برای این مناظرات انتخاب شدید؟**

هیئت سیاسی ما چنین تصمیمی گرفت. البته من به‌رصورت داوطلب شرکت در مباحث ایدئولوژیک نبودم.

█ **آیا همه جلسات کامل پخش شد یا شاید سانسور بودید؟**

پنج جلسه مناظره در هر دو بخش ضبط شد. مباحث ایدئولوژیک ضبط‌شده به‌طور کامل پخش شد. دو جلسه اول بحث سیاسی پخش شد. جلسات بهشتی هم مطرح کرد و چیزی سانسور نشده بود. جلسه سوم بحث سیاسی نیز اعلام شد ولی به جای آن یکی از جلسات ایدئولوژیک بازپخش شد و سه جلسه ضبط‌شده با موضوع بحث‌های سیاسی هیچ‌گاه پخش نشد.

█ **با نظر شما حسن نیتی برای ایجاد چنین مناظراتی وجود داشت؟**

مسئلاً تمامی اقدامات آن زمان از موضوع مرکزی سیاسی اختلافات درون حکومت و عزل آقای بنی‌صدر تأثیر می‌پذیرفتند. مسئولان رادیوتلوویزیون در بحث‌هایی که با ما داشتند، چند بار در رابطه با مباحث سیاسی مطرح کردند که آقای بهشتی این کار را گذاشته‌ست ما او‌رکه ما به این صورت برگزار نمی‌کردیم. صرف‌نظر از انگیزه تک‌تک مسئولان، در عمل چنین مناظره‌هایی بعد از حوادث خردادماه سال ۶۰ هیچ‌گاه تکرار نشد و این نشان می‌دهد که اهداف سیاسی محرک برگزاری چنین جلساتی بود.

█ **بعد از پایان هر جلسه بحث یا گفت‌وگویی با افراد حاضر در جلسات داشتید؟**

در چند مورد صحبت داشتیم برای مثال، جلسه سوم بحث سیاسی چند روز پس از میتینگ بزرگی بود که سازمان ما در میدان آزادی برگزار کرده بود. به این میتینگ یا- وجود آنکه مجوز رسمی از طرف وزارت کشور داشتند- از سوی افراد سازماندهی‌شده در خیابان زنجان نارنجک پرتاب شد. من در ابتدای جلسه به این امر اعتراض کردم و آقای کیانوری و پیمان نیز از من حمایت کردند. قبل از جلسه چهارم آقای بهشتی یک سری سؤال از خود آوردند مثل مفهوم استعمار، دموکراسی و از این قبیل و خواستار آن شدند که ما به جای بحث پراکنده هریک تعریف خود را از این کلمات در چند جمله کوتاه بیان کنیم. من اعتراض کردم ولی جلسه به همین صورت برگزار شد و به نظر من جلسه خوبی نبود.

█ **نظر آقای کیانوری درباره این جلسات چه بود؟ چه بازخوردهایی از سوی گروه‌های مختلف به شما می‌شد؟**

آقایان کیانوری و پیمان از این جلسات خیلی راضی بودند. در آن زمان فضای سیاسی ایران قطبی بود. بخشی از نیروهای سیاسی شرکت ما در این جلسات را به سود حاکمیت می‌دانستند و مخالف بودند و بخشی تأیید می‌کردند. از خود مناظره‌ها استقبال وسیعی صورت گرفت و شاید از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی همه دوره‌ها بودند.

█ **اگر گروه‌های دیگر از جمله مجاهدین در مناظرات شرکت می‌کردند، روند آن به چه سمتی می‌رفت؟**

ما در آن زمان سیاست اتحاد با نیروهای ضد امپریالیست درون حکومت را داشتیم و با سیاست مجاهدین مخالف بودیم و موضع ما موضعی انتقادی نسبت به آنان بود ولی بیم آن را داشتیم‌که با حادثن شرایط، درگیری‌های خونین بین نیروهایی که انقلاب کرده بودند، گسترش یابد و تصور می‌کردیم که مشارکت در چنین مناظره‌هایی می‌تواند در راستای احتراز از درگیری‌های خونینی که روشن بود کشور به سمت آن می‌رود، مؤثر باشد. به نظر من مناسبات در جهتی پیش رفته بود که در آن مقطع آن درگیری‌ها اجتناب‌ناپذیر بود. اگر مجاهدین شرکت می‌کردند طبیعتاً مناظره‌ها خیلی تند و همراه با حملات لفظی متقابل می‌شد.

█ **امروز یاد نگاهی به گذشته جقدر صحبت‌های شما در آن جلسات درست بود و جقدر احساسی؟**

طبیعی است‌که امروز من اگر در مناظره‌های مشابهی شرکت داشته باشم، بعد از بیش از ۴۰ سال به گونه متفاوتی بحث می‌کنم. برخی از مباحثی که مثلاً در دو جلسه اول من راجع به دموکراسی مطرح کردم، ایده‌های پذیرفته‌شده جریان‌های چپ در آن زمان بود که امروز مورد تأیید من نیست ولی در مباحث سیاسی و انتخاباتی که در جلسات مطرح کردم، صحبت‌هایم را تا آنجا که به یاد دارم (من هیچ نسخه‌ای از جلسات پخش‌نشده را در اختیار ندارم) امروز هم تأیید می‌کنم.

█ **یک خاطره کمتر شنیده‌شده از آن جلسات هم برایمان تعریف کنید.**

آقای بهشتی هنگام ورود به محل جلسه و هنگام خداحافظی به سمت آقای دکتر یمان رفت و با ایشان دست داد و با من و آقای کیانوری از راه دور و با تکان دادن سر، با آقای بهشتی سلام و خداحافظی می‌کردیم. جلسه پنجم جلسه داغی بود. چند روز قبل از جلسه وصیت‌نامه یکی از پزشکان عضو سازمان که در جبهه اعدام شده بود، به دست ما رسید. متن وصیت‌نامه خیلی پراحساس بود، به‌گونه‌ای که وقتی متن پایان یافت و سرم را بلند کردم، دیدم چهره دو خانمی که پشت دوربین‌ها بودند، از اشک خیس شده است. آقای بهشتی هم مطرح کردند که این اقدام سیاست‌جمهوری اسلامی نیست و نام پزشک مزبور را یادداشت کرده و گفتند تحقیق می‌کنند و اگر درست باشد، متخلفین مجازات خواهند شد. بعد از جلسه هنگام خداحافظی من با کمال تعجب مشاهده کردم که آقای بهشتی به سمت من آمدند و من خیلی گرم دست دادم و خداحافظی کردم. خداحافظی گرم ایشان با روند جلسه مხოxtانی نداشتند. بعد از رفتن آقای بهشتی، مسئولان تلویزیون از سخنان و برخوردم در انتقاد کردند و در ضمن مطرح کردند که از جلسه بعد آقای بهژاد نبوی هم از طرف مجاهدین انقلاب اسلامی در جلسات شرکت خواهد کرد. من با آقای نبوی دو سال در زندان هم‌بند بودیم و مناسبات بسیار دوستانه‌ای داشتیم. به نظر من ایشان فردی منطقی و باهوش بود و امکان پیشبرد بحث خوب با حضور ایشان وجود داشت. آقای کیانوری به این تصمیم اعتراض داشتند و می‌گفت این دردتست نیست که شما بدون صحبت با ما این تصمیم را اتخاذ کنید. هنگام برگشت من و آقای کیانوری با هم خارج شدیم. آقای کیانوری از برخورد من و عدم اعتراض من به حضور آقای نبوی دلخور بود. من به او فکتم زیاد ناراحت نباشید. این جلسه آخر ما بود و جلسه دیگری در کار نخواهد بود. آقای بهشتی با من دست داد و خداحافظی کرد و التیاش معنی آخرین دیدار بود و وداع. همین هفته اتفاقی می‌افتد که مناظره‌ها قطع می‌شود و آقای بهشتی از آن مطلع است. احتمالاً همین روزها آقای بنی‌صدر عزل خواهد شد. آقای کیانوری از اینکه از دست‌دادن آقای بهشتی این نتیجه‌گیری‌ها را کرده بودم، تعجب کرده و با نابوری نگاهی به من کرد. همین حرف را در جلسه هیئت سیاسی سازمان زدم و همه همان برخورد آقای کیانوری را داشتند. سه روز بعد مجلس طرح عزل نبی‌صدر را در دستور قرار داد و پس‌از آن اتفاقات ۳۰ خرداد و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی؛ به‌گونه‌ای که یک ماه بعد به نظر می‌رسید مناظره‌های تلویزیونی بهار سال ۶۰ به گذشته‌های خیلی دور تعلق داشته است.

در مقابل برخی از اقدامات مانند سریال گاندو برآشفته می‌شود که موضوع نفوذ را مطرح می‌کنند؟ چرا چنین نفوذی در مجموعه دولت ما وجود دارد؟ چرا آنها باید چنین مسائلی را در اختیار بگیرند؟ البته ذوالنوری و سایر نمایندگان منتقد درباره درز اطلاعات هسته‌ای که چندی بیش محسن رضایی راجع به آن توییت کرد یا دو بار انفجار تأسیسات اتمی نظنز و نقش جاسوس‌های اسرائیلی در ایران و نحوه حضور و فعالیتشان صحبتی نکرده‌اند و قایل صوتی منتشرشده و همه مشکلات امنیتی کشور به ظریف ارتباط داده شده است. مجلس یازدهمی‌که به تقریباً هیچ دستوراد قابل بیانی تاکنون در صورتی متشترشده دشمن شادکن بوده و به تعبیر رهبری صهی متأسف و تعجب است. این خطای بزرگ غیرقابل بخشش است. انتظار می‌رفت مجلس در اولین روز بعد از تعطیلی وزیر خارجه را برای پاسخ‌گویی فرامی‌خواند که این اقدام صورت نگرفت. در پاسخ به این اظهار، امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، رئیس جلسه، اظهار کرد: در جلسه غیرعلنی موضوع اظهارات تأسف‌برانگیز آقای چترپز می‌تعب است. این خطای بزرگ غیرقابل کمیسوین امنیت ملی آن را با حساسیت یگیری کند. وی ادامه داد: این سؤال بزرگ مطرح است کسی که در مبانی استراتژیک نظام شبهه دارد، چطور می‌تواند رئیس گسره مذاکره‌کننده بوده و از منافع ملی دفاع کند و آن را به نتیجه برساند. البته تاخه متوجه می‌شویم که چنا در این مذاکرات بزرگانه نظامی و فرمز رعایت نشد و به چنین سرانجمی گرفتار شد. مجتبی ذوالنوری، نماینده مردم قم و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در بخش‌ی از نطق میان‌دستور خود در جلسه علنی دیروز در مجلس خطاب به وزیر خارجه با بیان اینکه «اینکه بگویند فایل صوتی قرار نبوده منتشر شود چنین چیزی نیست» مدعی شد: این فایل صوتی دو نسخه بوده است؛ یک نسخه در اختیار وزیر و یک نسخه هم در اختیار مجموعه تحقیقات راهبردی ریاست‌جمهوری، از کجا این فایل صوتی به بیرون داده شده؟ اگر در زبان دولتی‌ها گفته شد این توطئه صهیونیست‌هاست، سؤال ما هم این است صهیونیست‌ها چگونه در مجموعه ما شام چنین نفوذی دارند که مطالب سری و فوق سری را باید فوراً در اختیار آنها قرار بگیرد؟ وی افزود: وی چرا رد و بدل شده باشد.

سال هجدهم • شماره ۳۹۹۸ • روزنامه **شرق**

ادامه از صفحه اول

سرخوردگی یا مشارکت

می‌توان مانند فوتبال، عدم رضایت از قضاوت یک داور را از کفایت و صحت قواعد بازی تفکیک کرد و در صورت نقض قواعد، آن را موکول به اصلاح تدریجی در آینده کرد؟ به یاد داشته باشیم گالیله در ۱۶۱۰ ادعا کرد که زمین مرکز کائنات نیست اما تا سال ۱۹۹۲ زمان برد تا پاپ رسماً بیانیه بدهد که حق با گالیله بوده است. این زمان طی‌شده در کوشش و کنش جمعی اندیشمندان کلاسیک و دینی بود. برای این امر آیا می‌توان هم‌زمان با انتخاب یک فرد به‌عنوان رئیس‌جمهور، نظر مردم و میزان رضایتشان از روند‌ها و فرایندهای کلی موجود را (در حد دو، سه موضوع مهم) پرسش کرد و براساس آن قواعد را اصلاح کرد؟ شاید تفکیک بین اصلاح قواعد بازی و کاپیتان تیم (رئیس‌جمهور) در طول زمان، سبب رضایت و مشارکت بیشتر شود.

دیپلماسی و «کف خیابان»

عمدتها اقتصاد در مرکز توجه آنها است، اما چون سیاست خارجی نقش مهمی در معادلات اقتصادی، صلح و ثبات به عنوان پیش‌نیاز رشد اقتصادی، نحوه تخصیص و تأمین منابع و کم و کیف تجارت خارجی دارد، می‌توانند بر انتخاب مردم در ادوار انتخاباتی تأثیر داشته باشد. به‌علاوه، مسائل دیگری نیز مانند صف‌بندی قوا در سطوح جهانی و منطقه‌ای، پیوستن یا گسستن از پیمان‌های امنیتی، مهاجرت، توافقات خارجی، استقراض خارجی … هستند که برای مردم و به تبع آن برای احزاب و گروه‌های سیاسی بسیار مهم‌اند و نمی‌توان از آنها خواست که این امور را صرفاً به نخبگان سیاسی حکومتی بسپارند و از مداخله در آنها خودداری کنند. در کشورهایی که انتخابات انجام می‌شود، نتیجه انتخابات تکلیف این امور را برای دوره‌های تقنینی یا اجرائی محدود مشخص می‌کند و احزاب و جریان‌هایی که نظرات متفاوتی دارند، طبعاً می‌توانند به عنوان ناظر و منتقد عمل کنند. به همین دلیل، سیاست خارجی همیشه یکی از موضوعات اصلی مورد بحث در انتخابات در همه کشورهای است و احزاب و جریانات سیاسی ناچار از داشتن مواضع روشن در این حوزه هستند. به‌علاوه، صرف چرخش از طریق انتخابات و قرارگرفتن افراد جدید در نگرش‌ها و بینش‌های متفاوت می‌تواند موجب دگرگونی‌هایی در اهداف سیاست خارجی و روش‌های تحقق آنها شود. اما در شرایطی غیرعادی از نظر سیاست خارجی، یعنی در شرایطی که کشور یا بحرانی در سیاست خارجی مثل تهدیدات خارجی، جنگ یا تحریم روبه‌رو باشد، طبعاً توجه و تمرکز مردم بر سیاست خارجی بسیار بیشتر می‌شود و گاه موضوعات سیاست خارجی به مسائل اصلی مورد بحث در یک روند انتخاباتی تبدیل می‌شوند و در پیروزی یا شکست کاندیداه‌ا نقش تعیین‌کننده می‌یابند. اعتراضات گسترده علیه جنگ ویتنام و سیاست داخلی آمریکا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۹۷۰ را متحول کرد. تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس که با آمریکا برای حمله به عراق در ۲۰۰۳ همراه شده بود، با اوج‌گرفتن بحران در عراق ناچار به استعفا از رهبری دولت و حزب کارگر شد. در دهه ۱۹۸۰، اعتراضات گسترده در اروپا علیه استقرار موشک‌های آمریکایی پرفسینگ و کروز تأثیر قابل توجهی بر ادوار انتخاباتی در اروپا گذاشت. درجه اهمیت سیاست خارجی برای کشورهای مختلف نیز متفاوت است. درحالی‌که مثلاً سیاست خارجی نقش بسیار اندکی در زندگی مردم کانادا یا بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا … دارد، در برخی از دیگر کشورها سیاست خارجی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و موضوعات مربوطه عملاً به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل می‌شوند. مثلاً در عراق با توجه به نقش قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در این کشور، سیاست خارجی عملاً همه روزه به نحوی ناگزیر در «کف خیابان» است؛ نه گریزی از آن هست و نه گریز از آن به سود منافع ملی عراق است. چراکه همیشه مشارکت و نظارت مردم مؤثرترین عامل برای به حداقل‌رساندن مخاطرات و خسارات‌ها از ناحیه سیاست خارجی است. ایران نیز متأسفانه یکی از کشورهای است که سیاست خارجی برای مردم آن همواره از قرن نوزدهم به بعد مهم بوده است. موقعیت ایران به عنوان منطقه حائل بین دو قدرت جهانی، یعنی روس و انگلیس و سپس آمریکا و شوروی و «بازی بزرگ» این قدرت‌ها در ایران، عملاً سیاست خارجی را به «کف خیابان» آورد و راهبردی‌ترانه آن کرد. اگرچه در «سیاست کشور سوم»، موازنه منفی، موازنه مثبت … همیشه مورد بحث عموم بوده است. بنابراین لاجرم سیاست خارجی در بسیاری از کشورها عملاً «در کف خیابان» قرار دارد و مقامات چاره‌ای جز کنار آمدن با آن و ایجاد سازوکاری برای ایفای نقش مردم در انجام بحث برای نیل به اجماع درباره آن ندارند. اگرچه در شکل‌گیری اهداف سیاست خارجی «کف خیابان» را نمی‌توان حذف کرد، اما دیپلماسی که ابزار اصلی برای نیل به این هدف‌ها است، امری کاملاً تخصصی است و ناچاراً باید به جرات طبیعت غیرآشکاربودن آن به دور از نگاه عموم و رعایت سیاسی اعمال شود. نمایندگان کشور، دیده‌بان، محافظت از منافع ملی، مذاکره، انجام توافقات، ائتلاف‌سازی کاربرد ی … از روش‌هایی است که در دیپلماسی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده می‌شود. این روش‌ها مورد استفاده کسانی است که آموزش، تخصص و تجربه کافی دارند و انجام آن در «کف خیابان» یا اساساً نه مفید است و نه ممکن و نه ضروری.

^[1] آقای بنی‌صدر در حکومت به سمت درگیری نهایی می‌رود

^[2] امیرحسین جعفری: مناظرات سیاسی سال ۱۳۶۰، نقطه عطفی در منش گفت‌وگومسحور انقلاب در آن سال‌ها بود که در جریان آن در دو بخش سیاسی و ایدئولوژیک، آقایان مهدی فتایور (سازمان فداییان خلق اکثریت)، سیدمحمد بهشتی (حزب جمهوری اسلامی)، نورالدین کیانوری (حزب توده ایران)، حبیب‌الله یمان (جنبش مسلمانان مبارز) در برنامه‌های سیاسی و آقایان مصباح‌زیدی (حوزه علمیه قم)، عبدالکریم سرروش، احسان طبری (حزب توده ایران) و فرخ نگهدار (سازمان فداییان خلق اکثریت) در برنامه‌های ایدئولوژیک شرکت داشتند